

غرب، ارتباطات و رسانه

امیر حسین پیش آهنگ

پنجشنبه، ۲۰ دی ماه ۱۳۸۶ تالار شهید صدر مدرسه عالی امام خمینی (ره) در شهر مقدس قم، پذیرای نخستین پیش‌نشست همایش بین‌المللی غرب‌شناسی با نام غرب، ارتباطات و رسانه بود. این نشست به صورت مشترک، از سوی پژوهشکده بین‌المللی نور و مؤسسه عالی علوم انسانی برگزار شد.

در ابتدای نشست، حجت‌الاسلام دکتر علی عباسی، ضمن خیرمقدم به میهمانان و سخنرانان و تشکر از برگزارکنندگان، نکاتی را پیرامون اهداف برگزاری همایش بین‌المللی غرب‌شناسی مطرح کرد.

معاون پژوهشی مرکز جهانی علوم اسلامی، در این باره گفت:

رویارویی مسلمانان با تمدن غرب، مسئله‌ای است که چند سده‌ای است، از همان اندیشمندان مسلمان را به خویش مشغول ساخته است. شاید امروزه بیش از هر زمان دیگری، لازم است دنیای اسلام، در برابر تمدن غرب، موضعی دقیق‌تر بگیرد.

وی در ادامه، افزود:

امروزه حیات تازه‌ای در میان اندیشمندان مسلمان، در حال رخ دادن است. چند دهه‌ای است که این روحیه پیدا شده است تا غرب و تمدن غربی، به ویژه مقطع جدید تمدن غرب، یعنی غرب مدرن را مورد واکاوی قرار دهد و با نگاهی تازه، به تأمل درباره این سوژه بپردازد.

سپس، دکتر عباسی با اشاره به پدیده شرق‌شناسی و کارکردهای استعماری آن، پرسید:

غرب‌شناسی به معنای یک مابهارا در برابر شرق‌شناسی، چه می‌تواند باشد؟

وی در ادامه، با بیان این نکته که حیات تمدنی مسلمانان درگیر پاسخ به این پرسش است،

حجت‌الاسلام دکتر علی عباسی

غرب، ارتباطات و رسانه
امیر حسین پیش آهنگ
۱۰۲-۱۰۳

افزود:

با توجه به داعیه احیای تمدن اسلامی از سوی اندیشمندان مسلمان، مطالعات غرب‌شناسی کمک می‌کند تا در این مسیر، نسبت به غرب و تمدن غرب، نه چندان دشمن، بلکه به منزله یک رقیب فکری و تمدنی، بیشتر تأمل شود... در این دنیای رقابتی، لازم است نقاط ضعف و قوت رقیب را بازشناسیم و برای آینده، برنامه‌ریزی کنیم.

معاون پژوهشی مرکز جهانی، هم‌چنین درباره اهداف همایش غرب‌شناسی افزود:

همایش بین‌المللی غرب‌شناسی، با چنین هدفی و به منظور برانگیختن تأملات فکری در این زمینه و گرد آوردن اندیشمندیانی که دغدغه‌ای در این صیحت دارند و سرانجام، ارائه تصویری جامع و سامان‌مند از تمدن غرب، همراه با نگاهی ارزش‌یافته و انتقادی نسبت به تمدن غرب، شکل گرفت.

در پایان، حجت‌الاسلام دکتر علی عباسی ابراز امیدواری کرد که این همایش و نتایج آن بتواند رهنمودهایی برای احیای تمدن اسلامی ارائه کند.

سپس دکتر مجید امامی، معاون پژوهشی دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی به ارائه نخستین مقاله این نشست، با نام تبارشناسی غرب از دریچه ارتباطات بین‌المللی پرداخت. وی ابتدا، به تبیین مفردات موضوع مقاله پرداخت و درباره تبارشناسی گفت:

تبارشناسی نام پروژهای است که میشل فوکو، اندیشمند پست‌مدرن ساختارگرایی فرانسوی، آن را تأسیس کرد و آن را به مثابه یک روش‌شناسی بسیار عمیق در مطالعه تمدن غرب، به اندیشمندان غربی پیشنهاد کرد.

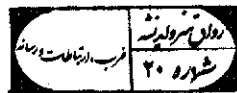
امامی به نقل از میشل فوکو گفت:

برای شناخت یک دوره یا تمدن، باید گفتمان آن را شناخت؛ یعنی یک نحوه چینش پیچیده از اجزای معرفت‌شناسانه که اقتضایی ویژه از جهان را در یک دوره به بشر تحمیل می‌کند.

در ادامه، دکتر امامی با بیان این نکته که فوکو برای شناخت غرب، ابتدا دیرینه‌شناسی را در



دکتر مجید امامی



برابر تاریخ پژوهی ابداع کرد، افزود:

فوکو معتقد بود چون تاریخ پژوهی یکی از تولیدات تمدن غرب است، نمی‌تواند در خدمت شناخت تمدن غرب قرار گیرد و در دیرینه‌شناسی گذشته، آن که هست، به امروز می‌آید.

امامی در ادامه، گفت:

پس از چندین سال، فوکو تبارشناسی یا دودمان پژوهی را مطرح می‌کند و ادعا می‌کند، من در دودمان پژوهی، امروز را به دیروز می‌برم.

امامی در تحلیل تبارشناسی غرب، به نقل از میشل فوکو گفت:

ما (غرب) به واسطه قدرت و مفهوم (Power) که در تمدن مدرن تأسیس شده و متعلق به این تمدن است، فناوری‌های سوزساز را در اختیار داریم که می‌توانیم موضوعات مورد مطالعه خویش را به سوزه بدل سازیم.

وی سپس، فناوری مراقبت و مجازات را مثال می‌زند که در شیوه تبارشناسی، به پدیده اخذ اعتراف در فرهنگ مسیحی می‌رسد و آن نیز ناشی از حضور فرهنگ کنترل در آن جامعه است.

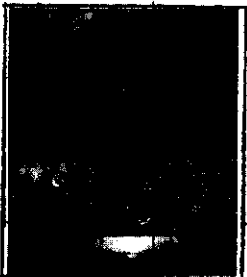
دکتر مجید امامی پدید آمدن دانش‌هایی چون روان‌شناسی و روان‌کاوی توسط فروید را ادامه همین فرهنگ کنترل و نتیجه آن فرهنگ اعتراف معرفی کرد و گفت:

به همین دلیل، فوکو بر آن است که علوم انسانی یکی از فناوری‌های سوزساز برای تمدن غرب است که می‌تواند هر موضوعی را که درصدد شناختش برمی‌آید، کنترل کند.

دکتر امامی در همین راستا، افزود:

جامعه‌شناسی یک دانش نیست، بلکه یک فناوری است که می‌تواند موضوعات جهان را به سوزهای تحت کنترل بدل کند و فاعل شناسا را بر سوزه مسلط سازد و البته هر فطرت انسانی درمی‌یابد که این یک دانش متصفانه نیست، بلکه یک جریان یا فناوری سوگیرانه است.

معاون پژوهشی دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی، در ادامه تبیین رابطه قدرت و دانش در تبار



غرب، به دیدگاه انوار سعید در کتاب شرق‌شناسی، اشاره کرد و به نقل از وی، گفت:

شرق‌شناسی عین استعمار است؛ چرا که در آن، چیرگی غرب بر شرق، اثبات و محقق می‌گردد. در حقیقت، در مطالعات شرق‌شناسی، نخستین پیش‌فرض یا اصل مقروض این است که غرب هویتی برتر از شرق دارد و می‌تواند به سبب برتری و تسلطش، سوژه‌ای به نام شرق را بررسی کند.

دکتر امامی با بیان این مطلب از قول فوکو که تکنولوژی‌های سوژه‌ساز، هویت‌های بسیار مستدل و محکم تولید می‌کنند، گفت:

هویت فاعل شناسا، از نفی هویت مفعول شناسا تأسیس می‌شود و غرب با برسازی هویتی به نام شرق، برای خودش هویتی بر ساخت.

دکتر امامی، پس از بیان این مقدمه مفصل، افزود:

اگر بپذیریم که روش تبارشناسی و مطالعه پیوند دانش و قدرت یک روش قابل قبول برای شناخت تمدن غرب است، پس می‌توان حوزه مطالعات بسیار عمیقی را که پس از جنگ جهانی دوم، در غرب به راه افتاد و به نام ارتباطات بین‌المللی شناخته می‌شود، با همین شیوه مورد چالش، نقد و بررسی قرار داد؛ به این معنا که ارتباطات بین‌المللی نیز مانند جامعه‌شناسی یا روان‌کاوی، یک تکنولوژی سوژه‌ساز برای برساختن هویت غرب بوده است که متناسب با اقتضات پس از جنگ جهانی دوم، شکل گرفته است.

امامی با اشاره به نظام تک‌قطبی پس از جنگ جهانی دوم و حاکمیت آمریکا بر نظم نوین جهانی خودساخته، درباره رویدادهای پس از جنگ جهانی دوم گفت:

پس از جنگ جهانی دوم، بسیاری از اندیشمندان و پژوهشگران علوم سیاسی آمریکا، با حمایت پنتاگون، پروژه‌ای به نام MIT به راه انداختند.

دکتر امامی کارکرد پروژه MIT را پاسخ به این پرسش دانست که چگونه می‌توان با گسترش زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی و مهم‌تر از آن، توهم این توسعه در میان کشورهای جهان سوم، قاهریت و غلبه تمدن مدرن (آمریکا) یا همان نظم جهانی مورد نظر ایالات متحده را گسترش داد.

دکتر امامی، با بیان این نکته که ارتباطات بین‌المللی و پروژه MIT سومین تکنولوژی تمدن غرب برای اثبات چیرگی‌اش بر جهان شرق است، تا از پس آن، هویت خویش را بر سزاد، افزود:

متأسفانه در کشور ما، ارتباطات بین‌المللی مورد مطالعه قرار نگرفته و دانشگاه‌ها، مسیر خطایی را دنبال می‌کنند و تنها به مطالعه پیام، ارتباط، رسانه و ... می‌پردازند، نه به خود پروژه ارتباطات بین‌المللی. این اشتباه به دلیل غفلت از این واقعیت است که ارتباطات در خدمت یک هدف بین‌المللی پدید آمده نه یک هدف ملی.

دکتر امامی، با معرفی کتاب ارتباطات جهانی در حال گذار، پایان چندگونی، نوشته پروفیسور

حمید مولانا و تأکید بر خوانش آن، گفت:

در ایران، مفهوم ارتباطات، رسانه‌ها را به ذهن می‌رساند؛ در حالی که رسانه‌ها، تنها ابزار عصر ارتباطات بودند که در نیمه دوم قرن بیستم، به وجود آمدند و خود ارتباطات، به معنای چیش روابط و تعاملات میان انسان‌ها و حاکمان که نتیجه آن حاکمیت تمدن غرب است، باید مورد پژوهش و بررسی قرار گیرد.



در پایان، دکتر امامی، با اشاره به مفهوم ناتوی فرهنگی که مقام معظم رهبری هشدار داده‌اند، افزود:

ارتباطات بین‌المللی همان ناتوی فرهنگی است.

و نکته پایانی این‌که:

اگر فلسفه تأسیس مفاهیمی چون رسانه، اینترنت و ارتباطات را بدانیم، دیگر نباید با آن، برخوردی منفعلانه داشته باشیم.

دیگر سخنران این نشست، حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر هادی صادقی، رئیس مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما بود که نوشتار خود را با نام رسانه و سکولاریسم، ارائه کرد. وی که ریاست دانشکده صداوسیما قم را نیز بر عهده دارد، ابتدا به تعریف سکولاریسم پرداخت و آن را به امر دنیوی ترجمه کرد که هم می‌تواند وصف یک جریان اجتماعی قرار گیرد و هم وصف یک ایدئولوژی یا فراتر از آن، وصف اندیشه‌ای فلسفی قرار گیرد که در آن صورت،

اینده‌شناسی‌های گوناگونی را در خویش، جای خواهد داد.

رئیس مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، سپس، به واژه رسانه پرداخت و با اشاره به تعریف دکتر لاسمی از رسانه‌ها به ابزار ارتباطات، گفت:

اندیشه ابزارگرایانه، نگاهی ساده‌انگارانه درباره رسانه‌هاست که از زمان ارسطو، درباره همه تکنولوژی‌ها وجود داشته است و با همه انتقاداتی که به آن شده است، هنوز طرفداران بسیاری دارد؛ ولی منتقدان بسیاری بر این دیدگاه تاخته‌اند و گفته‌اند که تکنولوژی وسیله‌ای خنثی نیست که تنها جهت اهداف انسان مورد استفاده قرار گیرد. دکتر صادقی، با معرفی هایدگر به منزله یکی از منتقدان دیدگاه ابزارگرایانه و اشاره به کتاب وی، پرسش از تکنولوژی، به نقل از وی گفت:

تکنولوژی با خویش، فرهنگی نوین به همراه می‌آورد و از انسان، انسانیت‌زدایی می‌کند.

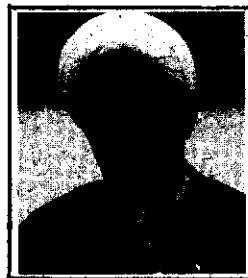
وی افزود:

هایدگر در برابر این نگاه سنتی به رسانه که رسانه‌ها به تقلید واقعیت می‌پردازند، معتقد بود رسانه نحوه خاصی از انکشاف است و تفسیر تولیدکننده را از واقعیت ارائه می‌کند.

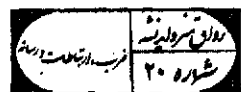
دکتر هادی صادقی، آن‌گاه، به تعریف نیوکام و کلی از رسانه‌ها اشاره می‌کند که رسانه را به معنای کشف هویت انسانی می‌دانند وی توضیح می‌دهد که کلی و نیوکام از کسانی هستند که کار رسانه‌ها را ساختن موضوع اوقات فراغت می‌دانند. اوقات فراغت زمانی خاصی است که در آن، فرد و جامعه آزادند تا هویت فرهنگی و فردی خود را تعریف و تبیین کنند و رسانه‌ها به طور آگاهانه، شرایط و زمینه‌های کشف این هویت را فراهم می‌آورند.

در ادامه، دکتر صادقی دیدگاه مارشال مک‌لوهان درباره رسانه را بیان می‌کند که رسانه همان پیام است و کار رسانه تنها بیان محتوا نیست، بلکه قالب‌های رسانه‌ای، هر یک پیام ویژه خود را دارند و در واقع، رسانه به تلقین و برنامه‌ریزی می‌پردازد.

وی در توضیح این مطلب، به تفاوت تأثیر کتاب و تلویزیون اشاره کرد و گفت:



حجت الاسلام دکتر هادی صادقی



کتاب، مخاطب را اهل اندیشه بار می‌آورد و نیروی تعقل و تخیل او را تقویت می‌کند؛ ولی تلویزیون تعقل و تخیل را از مخاطب باز می‌ستاند و همین تفاوت‌ها، پیش از هر چیز، محتوا را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

حجت‌الاسلام صادقی، سپس، به مفهوم تکنوپولی یا تسلیم فرهنگ به تکنولوژی، از نیل پستمن اشاره کرد و در تعریف آن، گفت:

تکنولوژی، فرهنگ را به خدمت خود می‌گیرد و آن را هدایت می‌کند.

وی به نقل از نیل پستمن، کار رسانه‌ها را از بین بردن ایمنی فرهنگی دانست و آن را به بیماری ایندز تشبیه کرد و در این زمینه افزود:

رسانه‌ها پدیدآورندهٔ ایندز فرهنگی در جوامع هستند و از طریق رسانه‌ها، فرهنگ

جوامع فروپاشیده است و دردناک‌تر آن است که کسی این فروپاشی را حس نمی‌کند

دکتر صادقی، در ادامه، کلیدهای تکنوپولی را در تبدیل ویژگی‌های فرهنگی زیر از فرهنگ

سنتی به عناصر تکنوپولی، برشمرد:

۱. تبدیل دعا به پی‌سیلین؛

۲. تبدیل فرهنگ مطالعه به فرهنگ تماشای تلویزیون؛

۳. تبدیل گردهم‌آیی و بازدیدهای خانوادگی (صلهٔ رحم) به گردشگری و کلوب؛

۴. تأکید بر ارضای فوری لمبیا، به جای قناعت و زهد و پارسایی؛

۵. تبدیل رذالت و گناه به انحراف اجتماعی؛

۶. جست‌وجوی کارکردهای توبه و تقوا در روان‌کاوی؛

۷. اعطای ارزش خرد و دانش به قدرت.

حجت‌الاسلام دکتر صادقی، سپس، رسانه را به مثابه جهان مجازی معرفی کرد:

رسانه‌ها به تقلید، تبیین، کشف و تأمین واقعیت می‌پردازند؛ ولی این همه کار رسانه‌ها

نیست، بلکه رسانه‌ها به آفرینش واقعیت نیز می‌پردازند. رسانه جهان ممکن را

می‌سازد و مخاطب را به عضویت خویش در می‌آورد

دکتر صادقی با بیان این نکته که رسانه‌ها، جهان‌های مجازی متفاوتی می‌آفرینند، مخاطبان را در نسبت با عضویت در جهان مجازی رسانه، متفاوت دانست و افزود:

برخی از مخاطبان عضویت دایمی پیدا می‌کنند و برخی موقت؛ برخی همه‌جانبه عضو می‌شوند و برخی از یک یا چند جهت.

رئیس دانشکدهٔ صداوسیما می‌گوید، به تناسب میان واقعیت حقیقی و واقعیت مجازی تولید شده از سوی رسانه اشاره کرد و گفت:

رسانه و به ویژه تلویزیون، اگر هم نتواند با واقعیت نسبتی پدید آورد، می‌کوشد این باور را در مخاطب بیافریند که وابسته و وفادار به واقعیت است؛ زیرا مخاطب باید به این گمان برسد که اولاً عضو جهان رسانه است و ثانیاً آن جهان، همان جهان واقعی است.

وی در پایان گفت:

کتاب، مخاطب را اهل اندیشه بار می‌آورد و نیروی تعقل و تخیل او را تقویت می‌کند؛ ولی تلویزیون تعقل و تخیل را از مخاطب باز می‌ستاند و همین تفاوت‌ها، پیش از هر چیز، محتوا را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

حجت‌الاسلام صادقی، سپس، به مفهوم تکنوپولی یا تسلیم فرهنگ به تکنولوژی، از نیل پستمن اشاره کرد و در تعریف آن، گفت:

تکنولوژی، فرهنگ را به خلمت خود می‌گیرد و آن را هدایت می‌کند.

وی به نقل از نیل پستمن، کار رسانه‌ها را از بین بردن ایمنی فرهنگی دانست و آن را به بیماری آیدز تشبیه کرد و در این زمینه افزود:

رسانه‌ها پدیدآورندهٔ آیدز فرهنگی در جوامع هستند و از طریق رسانه‌ها، فرهنگ جوامع فروپاشیده است و دردناک‌تر آن است که کسی این فروپاشی را حس نمی‌کند.

دکتر صادقی، در ادامه، کلیدهای تکنوپولی را در تبدیل ویژگی‌های فرهنگی زیر از فرهنگ سنتی به عناصر تکنوپولی، برشمرد:

۱. تبدیل دعا به پنی‌سیلین؛

۲. تبدیل فرهنگ مطالعه به فرهنگ تماشای تلویزیون؛

۳. تبدیل گردهم‌آیی و بازدیدهای خانوادگی (صلهٔ رحم) به گردشگری و کلوب؛

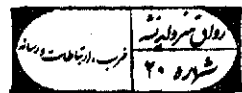
۴. تأکید بر ارضای فوری امیال، به جای قناعت و زهد و پارسایی؛

۵. تبدیل رذالت و گناه به انحراف اجتماعی؛

۶. جست‌وجوی کارکردهای توبه و تقوا در روان‌کاوی؛



حجت‌الاسلام دکتر شهرابی



۷. اعطای ارزش خود و دانش به قدرت

حجت‌الاسلام دکتر صادقی، سپس، رسانه را به مثابه جهان مجازی معرفی کرد:

رسانه‌ها به تقلید، تبیین، کشف و تلقین واقعیت می‌پردازند؛ ولی این همه کار رسانه‌ها نیست، بلکه رسانه‌ها به آفرینش واقعیت نیز می‌پردازند. رسانه جهان ممکن را می‌سازد و مخاطب را به عضویت خویش در می‌آورد.

دکتر صادقی با بیان این نکته که رسانه‌ها، جهان‌های مجازی متفاوتی می‌آفرینند، مخاطبان را در نسبت با عضویت در جهان مجازی رسانه، متفاوت دانست و افزود:

برخی از مخاطبان عضویت دائمی پیدا می‌کنند و برخی موقت؛ برخی همه‌جانبه عضو می‌شوند و برخی از یک یا چند جهت.

رئیس دانشکدهٔ صداوسیما قم، به تناسب میان واقعیت حقیقی و واقعیت مجازی تولید شده از سوی رسانه اشاره کرد و گفت:

رسانه و به ویژه تلویزیون، اگر هم نتواند با واقعیت نسبتی پدید آورد، می‌کوشد این باور را در مخاطب بیافریند که وابسته و وفادار به واقعیت است؛ زیرا مخاطب باید به این گمان برسد که اولاً عضو جهان رسانه است و ثانیاً آن جهان، همان جهان واقعی است.

وی در پایان گفت:

حجت‌الاسلام شهبازی حرکت از تنوع فرهنگی به سمت وحدت فرهنگی را تأثیر دیگر انقلاب‌های ارتباطی و به ویژه انقلاب سوم برشمرد:

در پی انقلاب‌های اول و دوم ارتباطی، تنوع محلی فرهنگ تقلیل یافت؛ ولی پس از انقلاب سوم، به دلیل رواج زبان مشترک بین‌المللی، نه تنها زبان، بلکه فرهنگ انگلیسی‌زبان، جهان را به سوی وحدت فرهنگی سوق داد. وحدت فرهنگی پیش‌رو، تمامی جلوه‌های تنوع فرهنگی، اعم از خط، زبان، بازی‌ها و سرگرمی‌ها، پوشش، دانش و پژوهش و حتی تنوع اندیشگی را به چالش کشیده است.

دبیر شورای عالی اطلاع‌رسانی کشور در پایان، با اشاره به اجلاس عالی سران دربارهٔ جامعهٔ اطلاعاتی و تلاش مجامع بین‌المللی برای حفظ تنوع فرهنگی ملل، حضور مسئولان، دانشمندان و اندیشمندان ایرانی را در مجامع بین‌المللی، یک ضرورت برای حفظ فرهنگ ایرانی - اسلامی دانست.

شایان ذکر است که همایش بین‌المللی غرب‌شناسی، پاییز سال آینده، از سوی پژوهشکدهٔ بین‌المللی نور، وابسته به معاونت پژوهشی مرکز جهانی علوم اسلامی، برگزار خواهد شد.

